

تربیت و آزادیهای محدود

در شماره گذشته نظریه محدودیت تربیت کودک را مورد بررسی قرار دادیم و مفاسد آن نظریه را از جهات گوناگون روشن ساختیم ... اکنون زبانهای اجتماعی چنین محدودیت را بررسی می‌کنیم:

و یا به صورت فرار از زندگی صورت می‌گیرد. فردی که خود را کاملاً محدود بباید و هیچ راهی برای نجات در پیش پای خود نبیند، ممکن است آنچنان سرخورده و وحشت زده شود که رشته حیاتش را پاره و خودکشی کند و این امری است که نمونه‌هایی بسیار دارد.

ب - تسلیم: ممکن است کودک در برابر درخواستها تسلیم شود ولی این

هدف دفاعی: کودک در برابر رفتار مستبدانه والدین و شهائی را به عنوان دفاع به کار می‌گیرد که برخی از آنها به قرار زیر است:

الف - فرار و گریز: و این ممکن است به صورت فرار از کانون خانواده، برای پناهندگی به محیط مطمئن تر و آرامتر باشد

تسلیم موجب تسلیم در برابر درخواستهای او خواهد بود - او خود را در برابر تحملات دیگران بسیار ضعیف و ناتوان می بیند و در آنصورت ممکن است:

خود خوری پیشه کند ، و اثرات سوئی در روح او داشته باشد برای هیچ بچوشد و بفرودشد (و این امر در سنین جوانی و بلوغ زیادتر است) ، اعتماد بنفس را از دست بدهد ، دائم در فکر فرو رفته باشد (توقف بسیار در مستراح گاهی به این دلیل است) زخم عمده بیدانگد ، (چون خود غمخه ناشی از آن ، تراوش امید عمده را زیاد می کند) ، جنبه های تلبدی در او قوی شود ، زندگی بردگی برای او پدید آمده ، ابتکارش از بین برود ، تحت نفوذ و گرفتاری تصدیقی سخت گردیده ، اعتماد به نفس را از دست بدهد و . . .

ج - جبران و مقابله : محدودیتهای بسیار گاهی باعث می شود که اراد به جبران و مقابله با آن ، آنهم به صورت ارضایی بریزد از این جبرانه ممکن است به صورت زیر باشد :

۱- نقشه کشی ها که برای خشنی کردن برنامه های والدین و برداشت مانع از سرراه خویش است.

۲- مقاومت : که بصورت سرسختی در برابر آنها و هم جوابی به آنهاست (که این ، مرحله مقدمه خطر است) .

۳- پند گشایی : که بصورت جوابگوئی های متقابل ، مسخره کردن ، جرأت پیدا یافتن برای نقش و ناسزاگوئی و سخنان رکیک است .
۴- حمله و تعرض : که رفتاری جسورانه و پرخاشگرانه ، انتقام آمیز ، توأم با خشونت است که ممکن است در برخی موارد بسیار گران تمام شود .

چنگها در میان بزرگها و زمامداران ، دو سطح ملی و بین المللی جلوه ای از این مسئله است . بحلیت ، جنگ ، نوعی ذهن کشی به کشور یا جمعیت متخاصمی است که راه خود را برای نفوذ در طرف مقابل فرارسو بسته و مسدود می بیند . این حمله و تعرض از طرف کودک چیزی نیست جز روشی که او در سایه آن میخواهد موقعیت خود را بگونه ای مستحکم کند .

زندگی کودکان محدود :

زندگی چنین کودکان ، توأم با تعارض ، تضاده ، اضطراب ، بدبینی ، یأس ، و گاهی هم کرب روتی است این تضاد و تعارض از آن بابت است که آزادی از یک طرف از درونشان می جوشد و از سوی دیگر آن را سرکوب می کنند . این کدورتی از آن جهت است که او میخواهد آبرویش ، در اثر امرونی های جدید از میان فرود بی درده جا خود را از تماس و مقابله با امور دور نگاه میدارد و بالاخره این بدبینی از آن بابت که او از این همه برنامه ها ، طلب ها ، امرونی ها ، خسته و فرسوده گردیده ، دیگر دوست ندارد آنرا ببیند چنین کودکان وقتی

به سن رشد رسیدند و وارد اجتماع گردیدند اغلب بی بندوبار و تسلیم هوسهای کنترل نشده خویش می شوند . در برابر مسائل و دشواریها ، ضعیف و گاهی هم فوق العاده حساس می گردند ، به گونه ای که از هر طریقی شده است ، مشروع یا نامشروع آن را از میان بر میدارند .

برخی از آنان گرفتاریک حالت نارضائی دائمی از کار ، زندگی ، خدمات دیگران برای او ، از دنیا ، از زن و خانواده میشوند . باهمدی آنها حالت پرخاشگری پیدا می کنند . زمانی هم دشمنان سرسخت برای آزادیهای دیگران شده ، هراسی را که از سینه برآید در گلو خفه میکنند ، تحقیر کردنها رهائی از قید و بندها برای آنان که خود را قیلا در قید و بند و محدودیتهای سخت شرعی ، عرفی و اخلاقی می بیند مانند جلوه های دیگر از این امر نشانگر آینده ارادی است که اینک در چنین وضعی به سر می برند .

بر این اساس که بیان شد نه والدینی که کودکان خود را کاملاً در بند داشته باشند موفق هستند و نه فرزندان که همواره در اختیار و تسلیم والدین باشند . این کار ممکن است تا چند صباخی ، برای کودک ادامه یابد ولی قابل دوام نیست .

ما برای اینکه در آینده افرادی مستقل و آزاده باشیم ضروری است شخصیت کودکان را محترم بشماریم و خواسته های منطقی او را به حساب آوریم و توجه داشته باشیم که مخالفت های شدید عوارضی دارد که اهم آنها عبارتند از :

- ۱- بیحالی ، مستی ، کناره گیری ، خودسری ، تجاوز ، تعرض ، بی اعتنائی ، خرابکاری ، تهوری خوری ، بیملاتگی نسبت به دنیا ، عدم کنترل خود ، ترس ، تقلب ، حيله ، شگوه ها ، بهانه گیری ها ، شکست ها و سقوطها . . .

تقریباً . مفاهیم بسیار بنده .

اگر کسی به شما گفت من کار نمی کنم مبادا دنیا پرست باشم فوراً به او بگوئید : برادر برای رفاه مردم کار کن و در برابر کار چیزی نخواه ! تا روشن شود اینها بهانه برای فرار از کار و کوشش است .

مخصوصاً امروزه ، دلچظاظ حساسی از تاریخ خود زندگی می کنیم که اگر این جهاد بزرگ اسلامی یعنی کلارو در تمام سطوح زنده نکنیم ممکن است تمام ثمرات انقلاب ما به شکر بیفتد .

امروز همه گروهها باید آستین بالا بزنند ، همه قشرها باید برای تداوم حرکت انقلابی به این پیکار بزرگ بپردازند ، در غیر این صورت چنان ضربه ای بر پایه های انقلاب وارد خواهد شد که جبران آن میسر نیست .

